

نظرات جالب

يك تازه مسلمان اروپائی

... سومین مسلمان آلمانی که من موفق به مساجید یا در شهر آقامی و مرا گلینسکی (۱) بود که با حمل توانمیز، نشان میدادند تا اینکه يك «اتحادیه اسلامی» را تشکیل دادند. من با ایشان نیز در وقت اشراحت «کفر» از اجلاس به نمایندگان رسمی در کنار کتابخانه کنگره، تماس گرفته، با او خواستم که برای من شرح مختصری از زندگی خود و نظر باطن در باره مسلمان بنماید. او پس از تأمل عمیق باین ترتیب پاسخ من پرداخت:

دسام ۱۹۴۴ در «برلین» متولد شدم و در خانواده ام که مسیحی کاتولیک هستند تربیت یافته، در اواخر دوران بلوغ در ضمن مطالعات از متون کتب ادبی، نوشته نویسنده گان مختلف، کمی اسلام را شناختم و سپس تصمیم گرفتم که از طریق «مجال کردن» مطالعاتم در ادبیات عرب تصقیقانی نیز درباره اسلام کنم. بهترین اصلی که از همان اول مرا باین مطالعات وادار کرده

مرا در ادامه کار منم تر کرد اصل «لوحیه» در اسلام بود، بطوریکه وقت سادگی و در همین حال ششگونی بودن آنرا با منش خدایی! و اصل پدیده (خداست) است و همین حال یکی (۱) مسیحیت نیستیم. علاقه ام به شناسایی این آیین چندین بار پیشرفت، تا آنکه بعد از مطالعات بسیار و میاجتات بی درین «دوران» فلسفه تئولوژی و وحدت، یادمان گلیسا و اصل وحدت الهی از طریق مکتب اسلام بی بردم. «دین» غنیترین تأثیر را در زندگی من بخشید، بعد از دانشگاه با آقای محمد صدیق (۲) آشنا شدم. «خوبی» را برایش تمیز گرفتم. او نیز مرا به سایر برادران اتحادیه دانشجویان مسلمان شهر برلین معرفی کرد. من از معرفت استادانم کرده، به بیعت با برادران مسلمان برلین پرداختم و پس از تحقیقات دقیق در سال ۱۹۴۴ در مسجد برلین رسماً بدین شهر اسلام شرف گشتم.

مسلمان شدن من در اولال مخصوصاً در

1 - Umar Eglinski 1 - Berlin 21 Marellher ger Str - 19
۲. آقای محمد صدیق یکی از دانشجویان مسلمان عرب مقیم برلین هستند

محبیب خانوادگی قدسی امکان و مکن التمل بدید داشت و مخالفتهاش نیز میان آمد اما از آنجا که پدر و مادر من خوشان چندان علاقه ای به مسیحیت نداشتند این اختلاف بزودی کمتر شد و رفتای عمویم اکثر سعی داشتند که بین من و عقاید احترام بگیرند. اما بعضی نیز بد میگفتند و مخره میکردند و عندا هم چندان توجهی اصول بدین نداشتند، و شاید سخت ترین رنج من از آنستکه مردم در اینجا با من خواهند و با اینکه علمت مسلمان شدن يك اروپائی را نپسندند، و سختی هم میتوان برای آنها توضیح داد بدون بیشتر بهادرات توجه دارند.

بعد از مسلمان شدن تصمیم گرفتم برای آشنائی بیشتر با زندگی مسلمان بکشورهای اسلامی سفر تمام، از ایترو و معاشرت خود را از مناطق مسلمانترین یوگسلاوی، بلغارستان، ترکیه، ایران، افغانستان و پاکستان شروع کرده، از طریق جنوب ایران علوم را وارد نمودن عاشق و سوره گشتم و امید بهدای قادر و ارم که با مکتب شخصی بیادان خاند خفا نیز با ملاک کردم.

در مدت اقامت خود در کشورهای (اسلامی اسلامی) شاید بیش از هر چیز شاهد آن بودم که خود را در میان خواهران و برادران مسلمان می یافتم و آنچه که بیشتر متأسفانه مایه تأسف منسب قلبی من بر بد فلسفه زیادی بود که ما بین تئوری فلسفه اسلامی و عمل مسلمان، می یافتم. و از این جهت منتقدم که هم اکنون در هیچ جای دنیا کشور ویا شهری وجود ندارد که قوانین اسلامی را کاملاً رعایت کنند، تا بتوان ناشی را در زمین واقعی

اسلام گذاشت چون همه بجای اجراء قوانین و دستوروات عالم اسلام سعی دارند که خود را در غرب زده نمایند و تصور میکنند که این تبلیغ کرد و گویند از غرب مایه سعادت و افتخارشان خواهند شد. غافل از آنکه این تقلید آنها را بنا بر روی بردگی میکنند و قایت در تبلیغ از غرب در کشور های اسلامی حس ناسیونالیسم بوجود آورده در حالیکه بقیه من این حس «ناسیونالیسم» نیز نه آورد اروپائی و یکی از بدترین و ننگر همه ترین صفاتیست که در میان ملل مسلمان بتطور منشی و مغرب رواج داده، در حالیکه اسلام برتری عزای و یا ملت پرستی تلقی را بر میگذارد.

و اما از صفات تکوینیه دیگر آنکه در بین مسلمان چشم میخورد غریبه دمی جوانان و کمالات شخصیت نمل جدید است. من معتقدم که جوانان مسلمان بجای سعی در شناسایی طواغر برزخ و یرق غرب، و تقلید از آن، باید سخت گوشش نمایند تا اسلام را از اصل و پایه بطور بیتری بشناسند. چون و این امری، که اصل اسلام در خواستار است که آنها باره و دروش اروپا دو ناست و بالنتیجه من خواهند کرد تا خود را از طواغر غربی آزاد کنند و در دنبال آن نیز دستبر استمار اقتصاد غربیانه دست و پایشان برداشته خواهند و پیشرفت و ترقی خواهند کرد. چه اسلام بیشتر زندگی، اجتماع و سخاوت و وحدت و همکاری و همکاری و همکاری و این دست بر طبیعت و خصلت ملل و شرق، ثبوت ندارد در حالیکه زندگیهای اروپائی بیشتر جنبه فردی را داده و مثلاً پدر فرزندان

اقتدار میکنید بدون غرض و عین حقیقت است .
 ولیدوارم که در آینده به صورت طبقه جوان ما
 دوشن شده و دست از دامن غرب خون آدام
 استیلاگر بردارند ، چون همانطور که شما
 نیز بدان مشرفید یکی از علل بزرگ عقب افتادگی
 بعضی از کشورهای اسلامی همان غریبها بودند
 که مسلمین با ایشان استمدادی از بیطرفت باز
 داشتند تا بتوانند از ثروت های ایشان بهره
 برداری کنند خوب بگفتم تا آخرین موضوعی
 را که مایلیم بیشتر بدان واقف شوم درباره همکاری
 شما با داورم است .

اگلیسکی من از زمان اول بنسویت داونون
 ایلامی دانشجو یان برلین ، که شعبه ای از
 داورم است در آمدم (و اکنون نیز اقتدار
 تاجیک کی عینت اعزامی برلین به کنگر داورم
 و در ضمن با مجله «صوت الاسلام» در بعضی
 آلمان آن نیز همکاری میکردم و در حال حاضر
 نیز با مجله «المسلم» همکاری دارم و امید
 جدای بزرگ دارم که در آینده بتوانم در راه
 همکاری بیشتری داشته باشم .

من بلوغ بیشتر توجه ندارد و کسی بنگرد بگریه
 نیست قه خواری معنی نمیدهد ، همدردی و
 حق حساب و هر از آن مسائل دیگر در غرب اصولاً
 مورد توجه نیست .
 و با در نظر گرفتن طبیعت و خوی خاص
 بودن مسلمین نمیتوان با اختلاف این سیر طبیعی
 یعنی روش زندگی فردی اروپائی و قرآین ،
 آنها ، در ذوق اسلامی به تشبیه رسید . بنابراین
 این خلاص سال جوانان مسلمین از نبود ذخیره
 تقلیدی غرب یعنی آزادی اقتصادی و استقلال
 فکری و میلی شرف خواهد بود .

اگلیسکی ادامه میدهد : « شما باید
 متوجه که مسلمانان دارای یکدست منته و سیاسی
 پسندیده ای نیز هستند که اروپائیان را قانع
 و در منجرت مسلماً خصائص لیگوتی مسلمین پیش
 از روزالشان میباشد . »

نویسنده : همکار و برادر عزیزم آقای
اگلیسکی را تعدادات شایع است و من میدانم و
 مستندم که آنچه را که شما بگویند یک حقیقت
 اروپائی درباره امور مسلمین شرق میگویند و

(بقیة از صفحه ۴۳)

پیروی کنند (۱) .

قرآن کریم کسانی را که نتوانسته اند از نیروی خرد برخوردار شوند و از شرط توانایی
 حقیقت و بیان آن ، گروال معتقد بدترین موجودات دانه دانسته می فرمایند :
 « ان شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون » (۲)
 ۴۳ (ع) می فرماید « افضل الجهاد من جاهد نفسه التي بين جنبيه » یعنی بالاترین
 جهاد ، مبارزه با نفس و هواها و آمال آن است .